

■ **احمدرضا صدری**

به شهادت اسناد و منقولات، شهربانی دوران رضاخان در پیگیری سیاست‌های فرهنگی و دین‌ستیزانه وی، نقشی نمایان ایفا کرده است. در واقع رؤسای شهربانی، به سان بازوی شاه در اجرای تصمیماتی چون کشف حجاب و اتحاد لباس و… عمل می‌کردند. مقالی که پیش رو دارید، ابعادی از این موضوع را کاویده است. امید آنکه مقبول افتد. ■■■

از جمله مهم‌ترین گروه‌های برنفوذ و فعال در عرصه سیاسی – اجتماعی ایران معاصر روحانیون و علمای دینی بوده‌اند. روحانیون که در انقلاب مشروطیت و به ثمر رسانیدن آن نقش برجسته‌ای به عهده داشتند، در تمام دوران مشروطیت در هدایت سیاسی، فکری و مذهبی مردم کشور جایگاه بی‌بدیل خود را حفظ کردند. هنگامی که رضاخان به دنبال مجموعه تحولات پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، به‌تدریج به روند قدرت‌یابی خود سرعت داد و بر تخت سلطنت نشست، بر اساس قانون اساسی سوگند یاد کرد در ترویج مذهب شیعه از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد و به‌طور تلویحی بر اهمیت نقش علما و روحانیون در رهبری دینی جامعه تأکید کرد. رضاشاه که از نفوذ سیاسی – اجتماعی و مذهبی روحانیون در اقصی نقاط کشور اطلاع داشت، در آغاز امر کوشید خود را به روحانیون نزدیک کند و مخصوصاً بر آن شدد نظر موافق سیدحسن مدرس روحانی برجسته آن روزگار را که در عرصه سیاسی نیز چهره درخشان و کم‌نظیری بود، به سوی خود جلب کند، اما تلاش‌هایش چندان ثمری نداشت. او دریافت که در درازمدت نخواهد توانست با روحانیون کنار بیاید و نظر مساعد آنان را به سوی خود جلب کند.

■ **چهره‌نمایی رضاخان پس از یک دوره فریب**

رضاشاه که در آغاز امر با ابراز علاقه به روحانیون و مراجع دینی و نیز شعائر اسلامی قصد داشت بدون درگیری با علما به قدرت برسد، پس از دستیابی به قدرت و تکیه بر اورنگ پادشاهی به‌تدریج از این سیاست عدول کرد و در راه دین‌زدایی و تحدید نفوذ و اعتبار روحانیون و علما در جامعه گام نهاد. در اول شهریور ۱۳۰۶ که مقارن با اولین سال سلطنت او بود اعلامیه‌ای از سوی دولت موقت به ریاست مخبرالسلطنه صادر شد که در آن بر لزوم اجتناب روحانیون از دخالت در سیاست و ایجاد محدودیت برای اجرای سیاست‌های فرهنگی رضاشاه تأکید شده بود. در این اعلامیه صراحتاً روحانیون مخالف روش سیاسی حاکم بر کشور مفسدجو و ماجراجو خطاب شده بودند. (۱) پس از صدور این اعلامیه شددیداللمن روحانیون و علما در شهرهای مختلف کشور انتقادات گسترده‌ای را متوجه دولت مخبرالسلطنه و آن را محکوم کردند. حکومت هم برای کاهش و پایان دادن مخالفت‌ها موقتاً از موضع‌گیری اخیر خود عقب‌نشینی کرد و در همان حال کوشید با ایجاد تفرقه میان روحانیون و علما در شهرهای مختلف ایران و حوزه نجف بر مقصد خود دست یابد، اما این‌گونه موضوگیری‌ها تاکنیک‌ی پیش نیود و رضاشاه به جد بر آن بود از قدرت و نفوذ روحانیون در جامعه بکاهد و سیاست تحدید مذهب را در جامعه ایرانی ادامه دهد. حکومت رضاشاه برای تضعیف روحانیون و کاهش نقش سیاسی – اجتماعی و مذهبی آنان در کشور سیاست‌های متعددی را در پیش گرفت که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت بود:

الف) تحدید موقعیت فردی آنها از طریق اجرای قانون لباس متحدالشکل (مصوب ۶ دی ۱۳۰۷) و امتحان گرفتن به‌منظور اخذ جواز عمامه

۲– کاستن نفوذ اجتماعی آنان از طریق ایجاد تغییر و تحول در امور قضایی و کوتاه کردن دست آنان از اوقاف

(قانون مصوب ۵ دی ۱۳۱۳) و جلوگیری از اجرای اصل نظرات آنان بر قوانین مجلس و کاهش تعداد نمایندگان روحانی در مجلس

ج) سرکوب اعتراضات و انتقادات و تبعید و قتل عده‌ای

از علما (آیت‌الله بافقی در ابتدای سال ۱۳۰۷، آیت‌الله مدرس در اواسط سال ۱۳۰۷، علمای تبریز در ماه‌های اول سال ۱۳۰۸، علمای خراسان تیر ۱۳۱۴ و…)

د) تحت پوشش قرار دادن و متمرکز ساختن بخشی از قانون مصوب یک بر نامه بلندمدت در دانشکده معقول و منقول (از اول شهریور ۱۳۱۰) که پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه تهران در هشتم خرداد ۱۳۱۳ یکی از دانشکده‌های آن شد

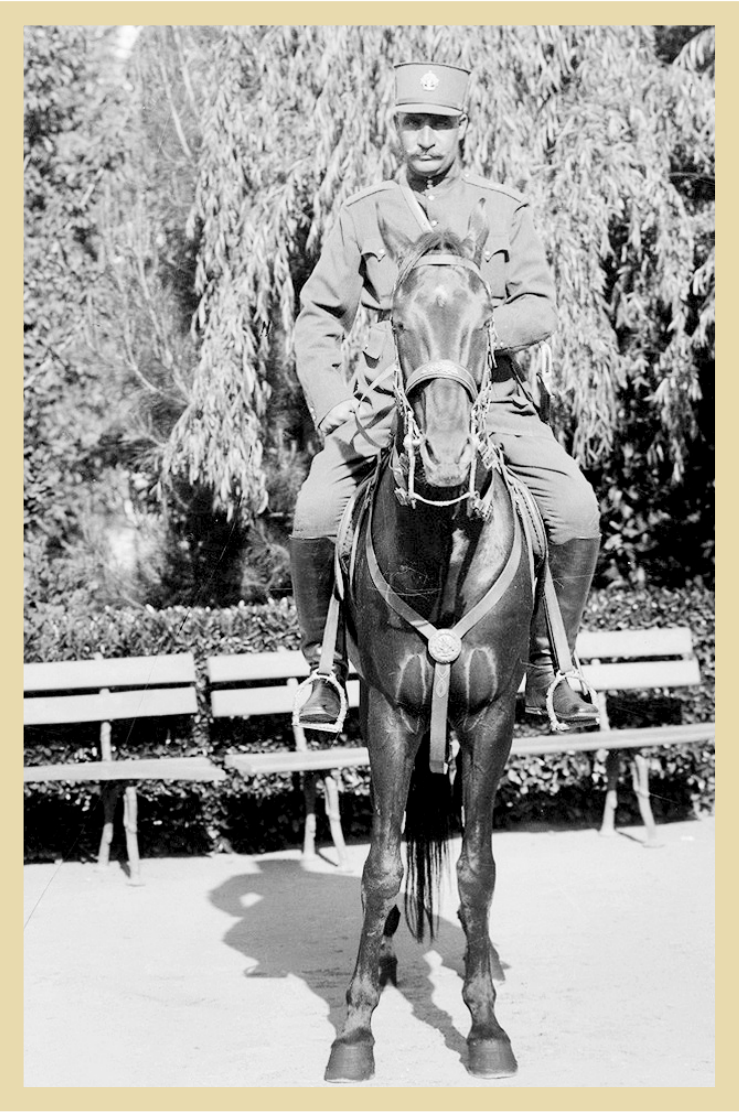
ه) همسان‌سازی و تربیت روحانیون درباری و دولتی به‌وسیله برنامه کوتاه مدت موسسه «وعظ و خطابه» که اساسنامه آن در ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ در هیئت دولت به تصویب رسید

و) تحقیر آنها از طریق تبلیغات مخرب و متهم کردن آنان به فئانیسم و ارتجاع و قطع ارتباط عاطفی آنان با مردم

ز) تخریب مدارس علمی که در کنار سختگیری‌های دیگر به کاهش تعداد طلاب انجامید و نیز جلوگیری از چاپ و انتشار کتاب‌های روحانیون.

■ **شهربانی و تدارک قتل و تبعید روحانیون مخالف**

تردیدی نبود که در راستای اجرای طرح‌های تخریبی حکومت رضاخان در قبال روحانیت، شهربانی و اداره تأمینات و آگاهی آن نقش درجه اولی به عهده داشت و با بهره‌گیری از روش‌های خشونت‌آمیز پلیسی و جاسوسی روحانیون مخالف و مبارزان تحت تعقیب قرار داد و حتی به تبعید و قتل برخی از علمای بزرگ آن عصر به‌وسیله مأموران شهربانی دست زد. در همان حال با گرایش مداوم حکومت به سوی مظاهر تمدن غرب برای از اعتبار انداختن موقعیت روحانیون و متوالان مختلف مذهبی، سیاسی، اجتماعی و قضایی جامعه گام‌های بلندی برداشته شد. اجرای برنامه کشف اجاری حجاب زنان، تغییر لباس مردان، تأسیس داد گستر ی جدید و دخالت دولت در امر ازدواج، طلاق و قضاوت، جلوگیری از اجرای بسیاری از مراسم و شعائر مذهبی، بی‌اعتنایی به احکام شرعی و عبادی و گسترش بی‌بند و باری اخلاقی و مفاسد اجتماعی از جمله مهم‌ترین اقدامات



عکس از آلبان سوردیوئین



رضاشاه که در آغاز امر با ابراز علاقه به روحانیون و مراجع دینی و نیز شعائر اسلامی قصد داشت بدون درگیری با علما به قدرت برسد، پس از دستیابی به قدرت و تکیه بر اورنگ پادشاهی به‌تدریج از این سیاست عدول کرد و در راه دین‌زدایی و تحدید نفوذ و اعتبار روحانیون و علما در جامعه گام نهاد

فرهنگی، سیاسی و قضایی حکومت رضاخان برای تعقیب روحانیون و علما و سیاست دین‌زدایی از عرصه سیاسی، اجتماعی و فردی جامعه ایرانی بود. ^(۲) قریب به اتفاق این سیاست‌ها به زور سرزیده و تحت فشارهای غیراصولی شهربانی صورت گرفت و در همان حال با حمایت از اقلیت‌های دینی و نیز تشویش افکار ضداسلامی و جریان‌های انحرافی باز هم تلاش برای تحدید قدرت و نفوذ روحانیون و علما تداوم یافت و این سیاست‌ها با نوساناتی چند تا پایان دوران سلطنت رضاشاه ادامه یافت. ^(۳)آیت‌الله خاتم یزدی به گوشه‌هایی از سیاست‌های رضاشاه

جهت تحدید نفوذ و اعتبار علما و روحانیون که با کنترل و مراقبت دائم شهربانی از آنان باقی‌ماند، چنین اشاره کرده است: «در زمان رضاخان فشار روی روحانیت فوق‌العاده زیاد بود. رژیم استبدادی رضاشاه اصلی‌ترین مانع کار روحانیت یعنی تبلیغ دین و شعائر اسلامی شده بود و حتی از پوشیدن کسوت روحانیت نیز ممانعت به عمل می‌آوردند. به همین دلیل عمده علمای یزد ترجیح دادند به جای پوشیدن کت و شلوار و به سر گذاشتن کلاه پهلوی خانه‌نشین شوند و از حضور در انظار و تبلیغ خودداری کنند تا اینکه بعد از مدتی مرحوم شیخ غلامرضا فقیه خراسانی که عالمی عارف و خبیر و مدبری دراندیش بود و از این جهت سر آمد علمای یزد به شمار می‌آمد، روحانیون یزد را فرا خواند و خطاب به آنان گفت: اگر چه ما را از پوشیدن لباس روحانیت منع کرده‌اند، ولی نباید مانع کار اساسی ما یعنی تبلیغ شعائر و احکام دینی شود بلکه ما باید در هر شرایطی به این وظیفه عمل کنیم. باید همان کلاه پهلوی را بر سر بگذارید و بایبید در مساجد اقامه نماز جماعت کنید و اگر نمی‌گذارند روضه بخوانید دو تا مسئله شرعی که می‌توانید به مردم یاد بدهید. این سخنان مرحوم فقیه خراسانی تأثیر بسزایی در علما و روحانیون بر جای گذاشت و آنها را به مساجد و منابر کشاند. خود ایشان نیز دست‌خور داد برایش کلاهی تهیه کردند و آوردند. دیگران نیز با کلاه به مساجد می‌رفتند و در مسجد کلاه را بر زمین می‌گذاشتند



نمازی از یکی از مراسم کشف حجاب در یکی از خیابان‌های اصلی تهران

تاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۳۸

پیش‌خواب

در حاشیه باز نشر اثر «پاسخ به پریشان‌گویی باب و بهاء»

احیای یک ذخیره علمی

■ **علی مستوفیان**



توجه‌به‌گزارش‌های مستند تاریخ ثابت‌کننده این واقعیت است که از هزار سال یا پیشتر به این طرف، یهودیان، مسیحیلن‌مجموسیان و سکولارهای دیزوز، امروز و آنهایی که

خود را لائیک تعریف کرده‌اند می‌کنند، برای در هم شکستن عظمت و از بین بردن شکوه و مجد اسلام آخرین دین آسمانی و در هم کوبیدن مسلمانان به حيله و نیرنگ دست‌زده و مقدمه‌ای برای نقشه‌ها و توطئه‌های استعمار جدید شده‌اند.

دشمن به خوبی فهمیده است که مسلمانان پذیرفته‌اند، ملیت در قاموس اسلام یک معنا دارد. آن هم تعصب احمقانه و کورکورانه‌ای که باطلیعه اسلام عصرش منقرض شده است. لذا در پناه اسلام آنچه‌ان به هم فشرده‌اند که همگی یک تن و یک جسد به‌شمار می‌آیند، مانند بنای محکمی که همه‌قسمت‌ها در استحکام کلی آن دخیلند، به همین خصوصیت مسلمانان ترک در کنار عرب می‌جنبید، فارس دوشادوش کرد شمشیر می‌زد، سپاه اسلام که از نژادها و توده‌های مختلف تشکیل یافته بود همچنان موجودیت خود را حفظ می‌کرد؛ سپاهی که مانند قلعه محکم و محفوظی به خاطر حمایت از اسلام به وجود آمده است و در دفاع از عقیده

و دین خود از همه چیز بی‌نیاز می‌شود. سپاهی که به خاطر دفاع از رسالت ابدی جان خود را رایگان در اختیار خدایی می‌گذارد که عهده‌دار رسالت و فرستنده پیامبر شناخته شده است. فردی از افراد آن سپاه به فکر عیب‌جویی نبود. یک سرباز عرب در کنار برادر ترک یا فارس خود برای رضای خدا از حدود و تعور اسلام دفاع می‌کرد. آنچه‌ان شکستی به دشمن وارد

■ **رضاخان و دور کردن روحانیون از محاکم شرع**

از مهم‌ترین محدودیت‌های ایجادشده در دوره رضاشاه برای روحانیون کاستن از نقش آنها در امر قضا و داوری بود. در دوره رضاشاه تلاش بسیاری صورت گرفت تا روش قضاوت و داد‌گستری و محاکم اروپایی و غربی در کشور ملاک عمل قرار گیرد. طرح اصلی این برنامه علی‌اکبر داور وزیر دادگستری بود که تا زمان مرگ در این جهت گام برداشت، اما هیچ‌گاه دستگاه قضایی عادلانه و عاری از تقلب و فساد در دوره رضاشاه با نگرفت و به‌ویژه با دخالت‌های غیرقابل پیشگیری شهربانی و اداره تأمینات (آگاهی) آن، وزارت عدلیه و نظام قضایی کشور به کلی تحت سیطره شهربانی که مستقیماً خواسته‌های اساساً غیر اصولی و ناروای رضاشاه را بر آورده می‌ساخت قرار گرفت. علما و روحانیون که تا آن روزگار نقش قابل توجهی در امر قضا و دادگستری داشتند به تدریج از عرصه نظام قضایی کشور کنار گذاشته شدند و محاکم شرعی که تا اوایل دوره رضاشاه در حل اختلاف و دعاوی مبتلا به مردم کشور از اقمشار مختلف در اقصی نقاط کشور سخت فعال بودند، به تدریج جمع آوری شدند و از قضاوت و داوری روحانیون حتی در مسائل قضایی شرعی نیز جلوگیری به عمل آمد. در همین راستا از همان آغاز سعی شد وزارت عدلیه از قضات روحانی و ناهمسو با حکومت یاسازی شود و تلاش بسیاری صورت گرفت تا با بهره‌گیری از تحصیلکردگان جدید در دانشگاه‌های خارج از کشور دادگستری را نظامی نوین اداره شود. ^(۱)

طرح متحدالشکل کردن لباس مردم کشور، به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی (از جمله دستگاه قضایی) و نیز تشکیل دفترخانه‌های ثبت اسناد و معاملات و نیز ازدواج و گسترش عقفن حیظه وظایف و عمل قوانین عرفی قضایی از دیگر اقدامات مستقیم و غیر مستقیم حکومت برای تضعیف موقعیت قضایی روحانیون در دوره رضاشاه بود. ^(۲)

با این همه، تجربه تاریخی تحولات پس از شهریور ۲۰ نشان داد که اعمال این حد از خشنونت، تأثیری معکوس داشته ویرسای طراحان آن، دست‌اوردی نیافریده است. این تجربه تاریخی، جلوه‌ای مهم از تاریخ پرفراز و نشیب معاصر ایران است.

■ **بی‌نوشت‌ها:**

۱– حیدر بصیرت‌منش، «سیاست مذهبی رضاشاه»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، تابستان ۱۳۷۵، صص ۵۵–۵۵

۲– همان، صص ۶۳–۶۴

۳– همان، صص ۶۲–۶۴

۴– همان، صص ۷۲–۷۷

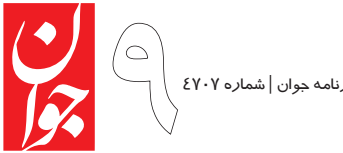
۵– عباس خاتم یزدی، خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی، صص ۴۹–۴۷

۶–روح‌الله حسینیان، تاریخ سیاسی شیخ، ج ۱، صص ۴۴۳–۴۴۲

۷– همان، صص ۴۰۹–۳۹۹

۸– محمد زرنگ، نظری بر تجددخواهی رضاخانی، ج ۱، صص ۳۶۲–۳۵۹

۹– همان، ج ۱، صص ۳۶۴–۳۶۲



عیدالله‌نوریزیدانی یکی از مجیدان خود را کلایف‌نژاد امری

۹– زنده کردن و عظمت دادن به تمدن‌های قدیمی از قبیل تمدن آشوری‌ها و فینیقی‌ها و تمدن فرانعه و آب و رنگ دادن به آنهاست تا بلکه بدین وسیله جوان مسلمان تمدن ریشه‌دار و اسلامی خود را فراموش کند و شیفته تمدن‌های قدیمی شود، بی‌آنکه از اوضاع و حقیقت آن آگاه باشد. چشمان وی را به روی این گونه تمدن‌ها و همچنین تمدن‌های غلط فعلی باز کردند.

۱۰– در راه آلهای محکمه‌های شرعی و مراکز فتوا کوشیدند و به اوقاف مسلمانان دست یافتند. قوانین از خود وضع و مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و در مراکز آموزشی به تدریس آن پرداختند. تا آنجا که در اکثر کشورهای اسلامی دانشکده‌های حقوق تأسیس و به‌جای حقوق و قوانین اسلامی قوانین روم و فرانسه تدریس کردند. فقط در گوشه و کنار آن هم در مواردی از قبیل ازدواج، طلاق و نظایر آن اسمی از شریعت اسلام به میان می‌آمد، لیکن از حقایق و قوانین کلی کوچک‌ترین اطلاعی در دست مسلمین نبود.

۱۱– ادبیات، نویسندگی و روزنامه‌نویسی را در مسیر بی‌بی و لامذهبی قرار دادند و به بنگاه‌های دانش، انتشارات و مطبوعات دست یافتند. برای چاپ، نشر و کار تألیف مراکز و بنگاه‌های بزرگی به وجود آوردند که هدف شوم استعمار و زمامداران آن را منتشر سازند. اکنون در بعضی از کشورهای اسلامی به حد زیادی از این مراکز مشغول کار است.

به هر حال کتاب «پریشان‌گویی‌های باب و بهاء» از جمله ذخایر علمی تحقیقی پیرامون فرقه گمراه و گمراه‌کننده بهائیت است که توسط یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ معاصر تألیف شده است و در نوبه خود همان طور که فرزند بزرگوارشان، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی فرموده‌اند، کم‌نظر است. امید آنکه باز نشر این اثر وزین به شناخت بیشتر از این دو نخله انحرافی کمکی بوده باشد.

عده‌ولی‌النعم‌والتوفیق